

پرتوی از مدیریت پیغمبر

سخن را از نخستین روزهای دعوت مبارک آن حضرت و برنامه های اعجازآمیزی که در دو مرحله متمایز زیر به اجرا درآورد آغاز می کنیم:

الف- مدیریت در مکه، ب- مدیریت در مینه.

رسول اکرم در مکه با زحمات فراوان و قرائت آیه های توحیدی و تأمل برانگیز و سوال و جوابهای هشیارگر و بیدارکننده و یادآوری جهان آخرت و آتش جهنم، به ساختن عقاید و تحکیم اندیشه های دینی و زدودن رسوبات جاهلیت از قلب و اندیشه تازه مسلمانان همت گماشت و با تبلیغی همه جانبه و حیرت آور همگان را به پذیرفتن دین گراندقدر الهی و ترک راه و رسم جاهلی فراخواند.

در این مرحله که سیزده سال به طول انجامید، مسلمانان به برنامه های ادرازی متین آن حضرت در زمینه های تعلیم و تربیت و بویژه پرورش اندیشه ها و افکار، تمکین کرده و به اجرای آنها گردن نهادند و به همین جهت بیشتر آیات قرآن در این دوران نازل گردید.

یادآوری می شود که عقیده راسخ و ایمان پایدار، مردمان عادی را مسلمانانی امین و با اخلاص می سازد که به هنگام ورود به صحنه اجتماع و پذیرش مسئولیتهای مدنی، نمونه هایی زیبایی از سلوک و رفتار اسلامی را به نمایش

گذارند، و برنامه های عبادی مانند نمازهای پنجگانه یومیه قرآن و دیگر عبادتهایی که پیامبر مسلمانان را به آن فرمان داد، و خود با کاملترین صورت به انجام آن می پرداخت، کاری در همین راستا و به منظور تربیت انسانهای کارآمد و امین و راست کردار بود، و حتی خود آن حضرت و تعدادی اندک از یاران مخلص او عبادتهایی مانند نماز شب را با ذوق و اشتیاقی کامل وارد برنامه زندگی خود کرده بودند و قرآن کریم در باره آنان چنین فرموده است: «و براستی، پروردگار تو می داند و جمعی از کسانی که با تو هستند، نزدیک به دو سوم یا نصف، یا یک سوم شب را به طاعت و نماز می پردازید، و خدا روز و شب را اندازه گیری کرده و می داند که شما، هرگز توان اینکه تمام ساعتهای شب را به عبادت ضبط کنید ندارید، و از شما درگذشت، پس شبانگاه هر مقدار که راحتی بتوانید، قرآن را قرائت کنید.»

گویا، این برنامه ریزی شبانه حکمتی پنهانی دارد، یعنی: علوه بر تقویت و تحکیم ایمان قلبی فرد شب زنده دار، بازتاب روزانه آن به شکل دعوت مردم به خدا و انفاق و بخشش در راه او تبلور می یابد.

مدیریت در مکه

به علت فشارهای که قریشیان بر دعوت جوان و نوحاسته اسلام وارد می ساختند، پیغمبر اکرم برای دو هجرت برنامه ریزی کرد، یکی از مکه به حبشه و دیگری از مدینه به مکه.

برنامه این دو مهاجرت چنان دقیق و منظم طراحی شده بود که فرصت را از دست دشمنان اسلام درآورد، و نتوانستند مانع اعزاک منظم و پنهانی گروههای مهاجر گردند، و این هجرتها به جهت پیشگیری از خطرهایی بود که جان مسلمانان را تهدید می کرد.

یکی از نشانه های تدبیر خردمندان و مدیریت قوی پیامبر (ص) این بود که خود ایشان، به دلایل زیر در مکه ماند و هجرت را به تاخیر انداخت:

الف- ملاقات با افرادی که از قسمتهای مختلف عربستان بریا زیارت کعبه به مکه می آمدند، و دعوت آنها به آیین حیات بخش اسلام که بیعت بزرگ جمعی از اهالی میدنه در عقبه اولی نمونه آن بود.

ناگفته نماند، که در موسم دیگر، هفتاد و سه نفر از نخبگان مدینه، که در میانشان تعدادی از بانوان نیز وجود داشتند، به مکه آمدند و بیعت عقبه ثانیه انجام پذیرفت، و این مجموعه های مسلمانان، بعد از بازگشتن به مدینه مقدمات هجرت پیامبر (ص) و زمینه های لازم برای تاسیس دولت اسلامی در آن شهر را فراهم ساختند.

ب- سازماندهی مهاجرت گروهی از مسلمانان اولیه به کشور حبشه که آن را هجرت اول یا هجرت صغیر نامیده اند. این هجرت سبب رساندن ندای اسلام به افریقا و تشکیل مرکزی در آن قناره گردید که صدیا اسلام در آینده از آنجا به مناطق دیگر برسد؛ ضمن اینکه تجربه های زیادی نیز برای مسلمانان به همراه داشت.

ج- در زمان بیماری سرپرست و حامی پیامبر یعنی عموی بزرگوار ایشان، جناب ابوطالب، جمعی از قریشیان به نزد او آمده و تقاضا کردند که از برادرزاده اش محمد (ص) بخواهد تا دعوت مردم به دین جدید، دست بردارد یا تخفیفی در این امر بدهد، و آنان نیز در مقابل، هرچه می خواهد به او بدهند. لیکن، پیغمبر که در دعوتش ثابت قدم و استوار بود، در جواب آنان و خطاب به عموی ارجمندش فرمود:

ای عم بزرگوار، اگر یک کلمه را بر زبان آورید، سروری و فرمانروایی عرب و عجم را به دست خواهید آورد. قریشیان با خرسندی گردنهای خود را به سمت پیامبر فراز کردند تا بدانند آن یک کلمه چیست، و یکی از آنان گفت: بسیار خوب، به جان پدرت ده کلمه می گوییم، حال به ما بگو که چه باید بگوییم، پیامبر فرمود: بگویید (لااله الا الله) و آنچه جز خدای می پرستید، رها سازید.

مشركان قریش با شنیدن این سخن، از نزد ابوطالب بازگشتند و همانند دنیای استکباری معاصر ما، غرور ناشی از احساسات قدرت آنان را به بدکاری و عدم پذیرش حق وادار کرد، زیرا اگر به بندگی خدا اقرار می آوردند، دیگر نمی توانستند به دزدیها و استثمارشان ادامه دهند و ناچار می شدند از مقام و منصبهایی که با ستنگری و شرک ورزی به خدا تحصیل کرده بودند، دست بردارند، و از منافی که از مسافرت اعراب به مکه و زیارت بتهای درو کعبه عایدشان می شد چشم بپوشند.

با تأمل در این حادثه، برای ما روشن می شود که رسول خدا (ص) در آن هنگام به آماده ساختن زمینه برای برپایی دولت اسلامی و جهانی بر اساس توحید اهتمام می ورزیدند و این امر یکی از اصول مهم مدیریت آن حضرت بود.

مدیریت در مدینه

پیغمبر (ص) بعد از مهاجرت به مدینه برای اجرای احکام و قوانین قرآن به بنیانگذاری مبانی دولت اسلامی و سازمانهای حکومتی پرداخت، و روش حکومتی آن حضرت روشی بی نظیر و ممتاز بود که هیچ یک از تمدنهای گذشته یا آینده بشری مانند آن را سراغ ندارد.

اهمال در بررسی دقیق مدیریت پیامبر در مدینه همانند بی توجهی به دیگر مفاهیم و ارزشهای دینی، موجب زیان و خسران و عدم دستیابی به شیوه هایی است که آن حضرت برای سعادت انسان و توانمندکردن او با اندیشه و عمل مطرح ساختند.

تشکیلات اداری

آن بزرگوار قبل از هر چیز به تشکیل سازمانهای اداری پرداخت، و ایجاد اینس ازمانها و تشکیلات برای ایشان، وسیله اجرای مقررات الهی به حساب می آمد نه هدف.

اعضای سازمان اداری دولت اسلامی را اشخاص و افراد زیر تشکیل می دادند:

روسای مناطق و قبایل و نمایندگان پیغمبر در میان آنها، مأموران جمع آوری زکات و نکه داری و تقسیم آن، نویسندگان پیغمبر در میان آنها، مأموران جمع آوری زکات و نکه داری و تقسیم آن، نویسندگان وحی و نامه هایی مه رسول خدا برای پادشاهان و فروانروایان کشورها می فرستاد، و سفیرانی که بریا رسانیدن نامه های خدا به سران دول اعزام می شدند.

البته خود پیامبر در رأس این تشکیلات و دارای بالاترین قدیت سیاسی بود و بر تمام مسلمانان ولایتی عام و فراگیر داشت، زیرا علاوه بر مقام نبوت، مسئولیت امامت و فرمانروایی مسلمانان نیز به عهده ایشان بود.

چنانچه سوال شد، نقطه آغاز تشکیل دولت اسلامی در مدینه کدام حرکت رسول خدا بود: تشکیل بیت المال و خزانه؟ تاسیس سپاه و نیروی نظامی؟ راه اندازی سازمان قضایی؟ تاسیس حزب یا احزاب؟ یا ...؟

پاسخ این است که آن حضرت مسجد را نخستین پایگاه حکومت قرار داد، و در زمان او، مسجد مرکزی برای تحریم باورهای دینی و پرورش و تزکیه روانی مسلمانان، و دانشگاهی بزرگ برای آموزش معارف اسلامی و قرارگاه سپاه اسلام و کانون اصلی امور معنوی و ارتباط با آفریدگار جهان و بالاخره مرکز تنظیم مدیریت همه نهادها و سازمانهای دولتی محسوب می گردید.

با وجود آن همه دشمنان سرسخت و افرادی که در داخل و خارج مدینه در کمین اسلام و مسلمانان نشستہ بودند، آوردن دین جدید و گسترش و انتشار آن بدون مدیریت دقیق و ژرف نگر پیامبر، امکان پذیر نبود و به همین جهت، خود ایشان شخصاً مسئولیت اداره امور و به حرکت درآوردن سازمانهای اجرایی را عهده دار گشتند. البته همه این برنامه ریزیها از منبع وحی سرچشمه

می گرفت، اما اجرا و تطبیق آنها تحت نظارت رسول خدا بود تا به طور طبیعی به دو شبهه زیر پاسخ داده شود:

الف-پندار دشمنان اسلام که ادعا می کنند، احکام اسلامی ذهن و خیالی هستند و پیاده ساختن آنها در عالن واقعیت بسیار مشکل است.

ب-گمانها و یا دروغهای عمده ی پیروان اندیشه لائیسیم که به تفکیک نصوص قرآنی از برداشتها و اعمال انسان اعتقا دارند.

مشخصات کلی مدیریت پیغمبر اسلام (ص)

کمی بعد از ورود پیامبر به مدینه حادثه ها و وقایع متعدد روی داد که عملکرد ویژه پیامبر در هر یک از آنها دلیل استحکام و به کارگیری روشهای نوین در مدیریت آن حضرت می باشند و در این قسمت، تعدادی از آنها را به عنوان نمونه می آوریم:

۱-عدالت

همه کارهای اجتماعی پیامبر به شیوه ای اداری و برنامه ریزی شده انجام می گرفت، و نمونه هیا زیبا و شگفت آوری از اجرای عدالت بر زیردستان به نمایش می گذاشت، چه، او حتی در نگاه کردن و تبسم بر روی آنان تفاوتی نمی گذاشت و امور را چنان اداره می کرد که هر کس به حقی که سزاوار است

برسد. و همین صفات الهی بود که او را الگویی بی نظیر در رهبری انسانی قرار داد.

بدیهی است که هر رهبر و مدیری، بر زيردستان تبعیض روا دارد، بیدادگر و

ستمکار است و سبب از هم گسیختگی و فروپاشی مجموعه تحت مدیریت خود

می گردد، و هم اکنون این آشفتگی و نابسامانی در ادارات و موسسات جوانع

مادی قابل رویت است، در صورتی که پیوسته شعار می دهند که مدیر باید

همه کارکنان را با یک چشم بنگرد و تساوی را بین آنان برقرار سازد.

حقیقت این است که این شعار آنها نیز مبنای درستی ندارد، و ما با استفاده از

سیره مبارک رسول خدا اعلام می داریم که رفتار مدیر هر مجموعه باید

منطبق بر موازین عدالت باشد، یعنی: در شرایطی که دو مجموعه در سطحی

واحد و دارای ویژگیهای یکسان باشد، مقتضای عدالت این است که از مزایای

یکسانی برخوردار باشند، اعمال مساوات بین کارکنان آن سازمان و ادارات

دیگر، برخلاف مصالح اجتماع است و ممکن است موجب از دست رفتن

فرصتها، و نابودی شایستگیها و تواناییها گردد، همان گونه که گذشت بی

مورد از خطای زيردستان سبب شکسته شدن حرکت قانون و بی اهمیت شدن

بازرسی و مراقبت و به کیفر نرسیدن گناهکاران می شود، و می توان گفت که

در بعضی موارد مساوات منطبق بر عدالت نیست. زندگانی رسول خدا، حتی

قبل از بعثت پر از رفتارهای زیبا و مدیریتهای زیباتر بود که از آن جمله است دقت نظر و حسن تدبیر آن حضرت به هنگام بروز اختلاف بین سران قبایل عرب برای نهادن «حجرالاسود» به جایگاه ویژه اش. زیرا هر یک از آنها یم خواتند افتخار این عمل را نصیب خویش سازند، و در این زمینه حاضر به هیچ گونه نرمش و گذشتی نبودند و نزدیک بود اختلاف و جنگی طولانی بین آنها بوجود آید. سرانجام توافق کردند تا اولین شخصی که به آنجا وارد می شود بین آنها داوری کند و به اراده خدا اولین فردی که بر آنها وارد شد محمد (ص) بود، و آن بزرگوار عباى خود را پهن کرد و حجر را در میان آن نهاد و از آنها خواست، تا هرکدام گوشه ای از آن را بگیرند و به نزدیک جایگاه بیاورند، آنگاه با دستهای مبارک، سنگ را در مکان مخصوص قرار داد و با این تدبیر بی نظیر و شگفتی ساز، قضیه به خیر و خوشی خاتمه یافت. نمونه زیبای دیگر، داستان ورود آن حضرت به مدینه در آغاز هجرت بود. همه مسلمانان آن دیار با اخلاق نیکوی رسول خدا آشنا بودند و با ارادت ویژه ای که به ایشان داشتند، دلشان می خواست افتخار میزبانی پیامبر نصیب خانواده آنها گردد. در آن فضای پرهیجان و حساس که هر لحظه ای امکان بروز تنش و درگیری هایی، که می توانست سالهای متمادی باقی بماند و موجودیت آیین نوپای اسلام را نیز تهدید کند، وجود داشت، پیامبر (ص) به مسلمانان گفت:

شتر من مامور است، راه آن را باز کنید و هر جا بایستد به آن خانه وارد می شوم و شتر بر در خانه ابویوب انصاری زائئو زد و مسئله ای با آن اهمیت بدون درگیری و اختلاف، پایان پذیرفت.

مسئله مسلم دیگر این است که خطابه‌ها آسمانی و احکام و اوامر الهی، در بدو امر مفاهیم کلی و ذهنی هستند و تحقق خارجی آنها نیازمند مدیری توانا و شایسته است، و نبی گرامی اسلام مدیری بود که به خطاب آسمانی زیر و دیگر خطابه‌های قرآن تحقق عینی می بخشید:

(ای مومنان، عدالت را برپا دارید، و برپا خدا گواهی دهید، هرچند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد)

۲- برادری

این برنامه که در همه تاریخ بشریت نظیری ندارد، با زیباترین شیوه انسانی و ادب انجام پذیرفت، و با آنکه مهاجران و انصار از نظر آداب و رسوم و خوی و خصلتهای فردی تفاوت‌های زیادی با یکدیگر داشتند، اما آن رسول راستین پروردگار، با در نظر گرفتن تمام جوانب و شرایط اجتماع آن روز مدینه، بین آنان برادری برقرار ساخت. جالب است بدانیم که برای اجرای این برنامه هیچ گونه گزینش یا هماهنگی قبلی بین مسلمانان صورت نگرفته بود، و قضیه به

این شکل اتفاق افتاد که وقتی همه مسلمانان اجتماع کردند، پیامبر (ص) فرمان

داد هر مسلمانی، با مسلمانی که نزدیک اوست پیمان برادری ببندد.

و نتیجه این برنامه الهی و اداری بی سابقه این بود که همه اصحاب، خود را

اعضای یک خانواده می دانستند و به چنان درجه ای از ایثار نسبت به یکدیگر

رسیدن بودند که در عین نیازمندی، اگر چیزی به دست می آوردند آن را به

برادر مسلمان خویش می بخشیدند و چنانچه آیات مربوط به ارث و

خویشاوندان نازل نمی شد، می پنداشتند که از یکدیگر ارث خواهند برد.

۳- مسجد، عبادتگاه و مرکز اداری حکومت

امت نوپلای اسلام، نیازمند پایگاهی برای اداره فعالیتهای فکری و سیاسی و

نظامی خود بود، پایگاهی که با اصول و ارزشهای آیین نوین او سازگار باشد.

به همین جهت، پیغمبر قبل از اقدام به هر کاری، ساختمان مسجد را بنا نهاد،

مسجدی در نهایت سادگی و بی پیرایگی و تنها مشتمل بر چهار دیوار که هر

یک ارتفاعی معادل قامت یک انسان داشتند، و در آغاز بدون سقف بود و پس

از مدتی از شاخه های درختان خرما، سقفی برای آن ساختند.

اصولاً، ارزش هر طرح و پروژه ای، به خوب اداره کردن و نوع کاربری و

سودمندی آن برای مردم است، نه به سنگینی هزینه و فراوانی تجملات و

اسرافکاری و هدر دادن اموال عمومی، آن چنان که در ساختمانهای عظیم

دولتی و کاخهای رفیع فرمانروایان و دربار پادشاهان مشاهده می کنیم، و اخیراً نیز، هزینه اکثر پروژه های بزرگ کشورهای پیشرفته صنعتی و مادی معاصرریال با استثمار و چپاول سرمایه های کشورهای ضعیف تامین می گردد.

و مسجد پیامبر بسیار ساده و کم هزینه بود، اما از آن مسجد و اداره کوچک، نور تمدن اسلامی و برجها پرتو افکند که انقلابی فکری و فرهنگی بر ضد همه حکومتهای ستم پیشه و واپسگرا و متحجر و غیرالهی بود.

۴-نوشتن منشور مدینه

پیش از این در مورد میزان تاثیر پیمان نامه ای که رسول خدا (ص) به موجب آن، ارتباط اعضای جامعه جدید اسلامی با یکدیگر و با ساکنان اطراف شهر مدینه بویژه یهودیان را تنظیم کرد، بحث داشتیم، و در این قیمت برای تکمیل آن می گوئیم که پیامبر آیات نورانی کتاب آسمانی را در میان مردم ترویج کرد و به جهان واقعیت درآورد، و اجرای احکام حیات بخش آن را در بین انسانها، بویژه اعرابی که با جاهلیت و تاراج و چپاول و طمع و تعصب فاصله چنداین نداشتند، عهده دار گردید، و مجتمع جاهلی آنها را به جامعه ای ایمن، سالم، صلح جو و الگوی همه انسانها و تمام سرزمینها تبدیل کرد، و بدون اظهار خستگی و دلتنگی، آنان را حاملان نور و تمدن اسلامی برای جهانیان

قرار داد، به طوری که قبل از گشودن کشورها و سرزمینها به فتح دلهای مردم توفیق یافتند.

و مجدداً خاطرنشان می سازیم که قوم یهود طبیعتی نژادپرست دارند و بر همه غیریهودیان کینه می ورزند و بر شکستن عهد و پیمان حتی با پیامبران خود خو گرفته اند.

با این اوصاف به عظمت مدیریتی پی می بریم که ارتباط مسلمانان با اعراب جاهلی و نژادپرستی را با نوشتن آن پیمان پرارزش سامان بخشید و با آن کار دوراندیشانه، راه پیشرفت فکری و فرهنگی مسلمانان و انتشار سریع اسلام و تمدن اسلامی را هموار کرد.

ه-تلاش در جهت عدم وقوع جنگ

در فصل مربوط به رهبری نظامی پیغمبر، مشروحاً بیان داشتیم که آن حضرت روشها و تاکتیک های پیشرفته ای به کار می گرفتند که فرماندهان نظامی جهان مادی در سالهای اخیر به بعضی از آنها وقوف یافته و تا امروز به همه ابعاد آن پی نبرده ایم.

در اینجا نیز به مناسبت بحث از مدیریت اداری اعجازآمیز آن پیام آور بزرگ خدا، مجدداً به آموذگی و مهارت نظامی ایشان اشاره می کنیم:

یکی از نشانه های عظمت مدیریت پیغمبر (ص) این بود که در عین برخورداری از وحی، و امدادهای غیبی، و تضمین پیروزی نهایی اسلام در آیه های متعدد قرآن از جمله این آیه مبارکه: «او خدایی است که پامبرش را با ابزار هدایت و دی راستین، به سوی مردم فرستاد، تا دین او را بر تمام ادیان چیره گرداند، اگرچه مشترکان ناخشنود باشند»، به جهات عقلانی و تدبیر امر بی مهر نشان نیم داد. و شیوه های اداری و ساختاری برای تربیت مسلمانان در این زمینه ها فراهم کرده بودند.

آری با تمام این امکانات و مزایا، باز هم رسول خدا در جبهه های گوناگون تمام سعی و همت خود را به کار می گرفت تا کار به جنگ و خونریزی نینجامد و مسئله با مذاکره و گفت و گو حل شود، و این راه و رسمی است بی نظیر و تدبیری است صحیح و خدایی، به منظور تربیت مسلمانان و نسلهای آینده، تا در مقابله با دشمنان، برنامه های کارشناسی شده و خردمندانه به کار گیرند و تنها به عظمت اسلام و تمدن و تاریخ آن یا به فراوانی نیروی انسانی و ثروتهای طبیعی تکیه نکنند؛ آن طور که سوکمندانه امروز به آن گرفتار آمده ایم و نمی توانیم قدس شریف را از چنگال صهیونیست های متعصب آزاد سازیم.

پیامبر (ص) در اجرای همین سیاست، در سال ششم هجری قرارداد صلح با مشرکان را در حدیبیه برای مدت ده سال منعقد کرد و از آنجا به سوی خیبر که یکی از مراکز ایجاد خطر و توطئه بر ضد اسلام بود به حرکت درآمد و با شجاعت و دلاوریهای کننده در خیبر، و بازوی راست و برادر و جانشینش، حضرت علی (ع)، بر آن تسلط یافت و آن کانون فتنه را از منطقه برچید.

۶- ارسال نامه برای پادشاهان

ایمان راسخ به قرآن، و دوراندیشی و حسن تدبیر پیامبر (ع) او را بر آن داشت تا به شکلی ساده و به دور از تعارف و تشریفات، اما محترمانه، با اعزام نمایندگان و سفیران ویژه، نامه ها و پیامهایی برای ران و پادشاهان کشورهای مختلف ارسال دارد و آنان را به پذیرفتن آیین اسمانی اسلام فرا خواند. تعداد این نامه ها، در کتابهای تاریخی و منابعی که مکتوبات و پیمان نامه های آن حضرت را گرد آورده اند ۱۸۶ مورد ذکر شده است.

۷- گرفتن بیعت مجدد از یاران

بیعت گرفتن آن حضرت به هنگامه های بحران، تدبیری اداری و بازدارنده در راستای تقویت بنیه روانی مسلمانان و اعلام مجدد دوستی و وفاداری به شمار می آید و نمونه آن در جریان صلح حدیبیه به وقوع پیوست. قصه این بود که پیامبر (ص) با هزار و چهارصد نفر از مسلمانان، بدون همراه بردن

تجهیزات جنگ، و تنها با سلاح مسافر به قصد زیارت کعبه و انجام حج حرکت کرد. مشرکان قریش مانع حرکت آنها به طرف مکه گردیدند، رسول خدا با حفظ بردباری و متانت سفیرانی برای مذاکره و دیپلماسی به نزد آنان فرستاد، اما در یکی از این رفت و آمدها، مشرکان فرستاده پیامبر را بازداشت کرده و به قتل رسانیدند. در این هنگام پیغمبر (ص) با آنکه آمادگی جنگ نداشت، با مدیریتی هوشمندانه، از تک تک یارانش بیعت گرفت که در صورت بروز نبرد با تمام توان خود استقامت کنند و پشت به دشمن ننمایند، و آن همان بیعتی است که در تاریخ اسلام با عنوان بیعت رضوان یا بیعت شجره از آن یاد شده است.

۸-فتح مکه

به هنگام فتح مکه، آن نبی رحمت، چونان یک رهبر صلح جو وارد شهر شد و سخن کریمانه و مشهور «بروید، همه شما آزادید» را بر زبان آورد. او به انتقامجویی و خونخواهی از قریشیان که مسلمانان را آواره ساخته و اموالشان را مصادره کرده و تعدادی از آنان را به شهادت رسانیده بودند، برنخاست، حتی ابوسفیان سرکرده مشرکان را نیز عفو نمود و اعلام داشت، هر کس به خانه او درآید، در پناه است. از این قضیه درمی یابیم که ابوسفیان و معاویه با بیعت، اعلان مسلمانی نکردند، بلکه پیغمبر آنها را بخشید و به

جرگه مسلمانان درآورد، و کارهایی که بعد از آن انجام دادند این گمان را به وجود آورد که آنها همچنان بر کفرشان باقی بودند ولی به دلیل دشمنی و مخالفت ایشان با اهل بیت رسول خدا، دستهای تزویر و خیانت، مقامشان را بالا برده است.

شورا و دموکراسی

قرنها قبل از آنکه اندیشه دموکراسی در جهان به وجود آید، اصل شورا و مشورت در فضای معنوی جامعه اسلامی مطرح بود و مسلمانان به خاطر ارزشهای دینی و تقوای الهی، حتی با ایثار و به قیمت از دست دادن منافع شخصی خویش، در اجرای صحیح این اصل و نصیحت و ارشاد یکدیگر می کوشیدند.

روح دموکراسی جدید نیز همین رایزنی و استفاده از رای و تجربه شهروندان است، بلکه می توان گفت که شورای اسلامی گستره وسیع تری از دموکراسی دارد.

علمای اسلام از شورایی به نام شورای اهل حل و عقد دولت تاسلامی یاد کرده اند که معادل پارلمان و مجالس قانونگذاری نظامهای دموکراتیک کنونی است، و گفته اند که اعضای آن باید عادل و عالم و حکیم و صاحب نظر باشند، تا بتوانند شایستگان منصب زمانداری و ویژگیهای فراوان امامت و رهبری را

بشناسند و یکی از ایشان را که لایق تر و به مصالح اسلام و مسلمانان آگاهتر باشد به زعامت و رهبری برگزینند.

شایان ذکر است که این تئوری تا کنون تنها در کتابها و مباحثات دانشمندان باقی مانده و هرگز صورت عمل به خود نگرفته است، زیرا برادران اهل تسنن، همان گونه که قبلاً نیز گفتیم، به خاطر هماهنگی با حکومت‌های موجود، هر حکومتی را که بر اوضاع مسلط باشند، بدون توجه به چگونگی به قدرت رسیدن آن، به رسمیت می شناسند.

در پایان این بحث یادآوری می کنیم که بهترین تطبیق و اجرای اصل شورا، در زمان حکومت حضرت علی (ع) بوده است.

۳- مبانی سازماندهی اداری

الف- کار

پیامبر عایل قدر اسلام، آن مدیر پیشگان جامعه بشری، سازماندهی اداری دولت اسلامی را بر اصولی قرآنی استوار نمود؛ تا اختیارات و مسئولیتهای افراد به هنگام فعالیت‌های اداری و اجتماعی مشخص گردد.

مدیریت آن حضرت چنان زیبا و شگفت آور بود که تمدنهای بزرگ ایران و روم قادر به ایجاد آن نبودند و دنیای جدید مادی نیز با تمام پیشرفت و تجربه ای که دارد از وصول به آن ناتوان است.

آن آخرین فرستاده خدا و خاتم مدیران الهی، کار را معیار تشخیص جایگاه اجتماعی و تعیین رتبه مسلمانان در دنیا و آخرت قرار دارد. قرآن کریم می فرماید: «و برای هرکدام بر مبنای کارشان درجات و مراتبی است و پاداش اعمال آنها به طور کامل داده خواهد شد و مورد ستم واقع نمی شوند.»

قرآن مجید کار و عمل بانوان را نیز نادیده نیم انگارد و می فرماید: «البته، من که پروردگارم عمل هیچ مرد و زنی از شما را تباه نمی سازم». آن مدیر بی نظیر نه تنها مسلمانان را به کار و عمل تشویق می کرد، بلکه آن را مرکز و محور تکامل به حساب می آورد، زیرا عشق به کار، روح ابداع و نوآوری و تلاش را در انسان زنده نگه می دارد، و کار بدون میل و رغبت، نه تنها عامل پیشرفت نیست بلکه موجب رکود و توقف می گردد. او با این سیاست حکیمانه، توانست ملت گمنام عرب را به عنوان مدیر فتوحات گسترده و ناشر ارزشهای انسانی و آزادکننده بشریت از فساد و ستم، به جهانیان بشناساند.

با این توضیحات می توان گفت که یک مدیر موفق مکتبی، کسی است که علاوه بر دارا بودن ذوق و قابلیت، کار را دوست بدارد و به ارزش آن ایمان داشته

باشد، چه، به گفته دانشمندان: هر کس ذوق و استعدادی ویژه دارد و خوشبخت کسی است که آن را کشف کند.

پیامبران، بزرگترین مدیران جوامع بودند، زیرا با کار پیوسته و مداوم و مدیریتی منظم، افراد و اجتماعات بشری را به توحید و خداپرستی دعوت می کردند و به همین جهت در آن شرایط سخت و کمی امکانات و سازمانهای اداری نامناسب، حداکثر توفیق را به دست می آوردند.

ب- علم و قدرت و شایستگی

پیامبر اکرم (ص) مسلمانان را به دانش پژوهی و اندیشیدن، و کسب مهارت و تخصص فرا خواند تا بر قدر و منزلت آن بیفزایند و قرآن مجید نیز در تشویق به ایمان و دانش اندوزی فرموده است:

«خداوند مقام آن گروه از شما که ایمان آورده باشند و کسانی که به آنها دانش عطا گردیده رفیع می گرداند».

دانش تخصصی راه زندگی را روشن می کند و زمینه پیدایش نظریه های جدید و تجزیه و تحلیل آنها را فراهم می سازد.

توانایی و قدرت جسمی نیز از ملاکهای مورد نظر آن حضرت در انتخاب افراد بود، زیرا قدرت و استطاعت، شرط لازم برای قیام به واجبات دینی و اکتساب ارزشهای گران سنگ اسلامی است.

اسلام مومنان را به تقویت و تربیت جسم ترغیب می کند و با صراحت می گوید: «مومن قوی و نیرومند از مومن ضعیف و کن توان بهتر است» و می فرماید: «ای مسلمان، بدنت بر تو حقی دارد» و صحت و سلامت را از فواید روزه برشمرده و فرموده است: «روزه بدارید تا تندرست گردید».

در آموزه های دینی مسلمانان، آموختن فنوین مانند شنا، اسب‌دوانی، دویدن و پریدن جایگاه ویژه ای دارد و عبادتهایی مانند نماز، حج و جهاد مشتمل بر حرکات جسمی و کار و تلاشند و علاوه بر آثار روحی و معنوی، در افزایش توان جسمی انسان نیز نقش بسزایی دارند.

در آیه ۲۴۷ سوره بقره که قبلا آن را ذکر کردیم، بیان شده بود که بنی اسرائیل به خاطر کمی دارایی طالوت به پادشاهی او معترض بودند، اما پروردگار حکیم، علم و نیروی بدنی فرزادوان طالوت را به آنها گوشزد نموده و او را شایسته زمامداری اعلام کرد.

دقت و تامل در این قضیه، فساد و بطلان معیارهای ارزشی ارتجاعی دنیای جدید مادی را آشکار می سازد، زیرا آنان فریبکارانه و با پوشش دموکراسی وئدر واقع با رشوه و خریدن آرا و افکار بعضی از مردم، قدرت و مناصب مهم سیاسی را به سرمایه داران و عاملان آنها واگذار می کنند.

ج- مساوات

اسلام همهٔ مسلمانان را در حقوق اجتماعی با یکدیگر برابر می داند و میان آنها در اصل خلقت و نژاد، یا رنگ پوست و دیگر اعتبارات تفاوت نیم گذارد، و همان طور که قبلاً گفتیم، رسول اکرم به محض رسیدن به مدینه بین مهاجران و انصار که از جنسیت‌های مختلف و نژادهای متمایزی بودند، برادری برقرار ساخت.

در اندیشه غیرالهی نه تنها مساوات و برابری نوع بشر انکار می شود، بلکه اصل بر جدایی و تفاوت انسانهاست و در بسیاری از جوامع قدیم، آشکارا و با افتخار، این مطلب را به زبان آورده و بر نظم و سیستمی متکی بودند که جدایی و تفاوت برحسب جنس یا رنگ و نژاد و فقر و ثروت را به رسمیت می بخشید.

مساوات مورد نظر اسلام، شعاری نیست که با هر تفسیری سازگار باشد، مثلاً بر نژادپرستی نام میهن دوستی گذارد، و ظلم و ستم را به خاطر مصالح قومی روا بداند یا با قوانین و مقررات نظامهای موجود هماهنگی نماید؛ بلکه متکی بر اصول و مبادی ثابتی است و همه مردم را در حقوق انسانی برابر می شمارد، و تفاوت را در صفات اکتسابی آدمیان، نظیر نیکوکاری یا فساد یا بی بند و باری می داند، چنانکه قرآن مجید فرموده است:

«ایا ما آنان را که به خدا ایمان آورده و به اعمال نیکو پرداختند، مانند فسادانگیزان قرار می دهیم و باتقویان را بسان فاسقان جزا خواهیم داد؟».

و بالاتر اینکه قرآن کریم، اصل و ریشه همه آدمیان را یکی می داند و می فرماید:

«ای مردم، از پرورگارتان کهوهمه شما را از نفسی واحد بیافرید، پروا نمایید».
و پیامبر اسلام فرمود: «همه شما فرزندان آدمید و آدم (ع) هم از خاک آفریده شده بود.»

د-انتخاب والیان و فرماندهان و کارگزاران

این گزینشها توجه ویژه رسول اکرم به پویایی و استمرار دعوت اسلام و عنایا به آینده آن بود. در قرآن مجید از قول دختر حضرت شعیب نقل شده که به پدرش چنین گفت:

«این (موسی) بهترین کسی است که به کار می گماری، زیرا نیرومند و امین است».
پیامبر اکرم (ص) نیز تمام سعی اش بر این بود که شایسته ترین اسنانها را برای خدمت به اسلام و مسلمانان به کار گیرد و در همین رابطه می فرمود: «هر کس ولایت مسلمانان را به عهده گیرد و کاری را به کسی سپارد در حالی که شایسته تر از او در دسترس دشاته باشد، به خداوند و رسول او خیانت کرده است».

یکی دیگر از برنامه های یک مدیریت منظم، انتخاب وزیر یا فردی است که مدیر را در ادای مسئولیتهایش یاری و مساعدت کند، و به همین جهت رسول خدا حضرت علی را به مثابه وزیر خود تلقی می کرد و به او فرمود: ((تو برای من به منزله هارون نسبت به موسی می باشی))، و آنگاه که آیه ((وانذر عشیرتک الاقربین)) نازل گردید، خطاب به خویشاوندان خود فرمود: ((کدامیک از شما در این امر مرا یادی و مساعدت می کنید؟ علی (ع) جواب داد: من یاور و وزیر تو خواهم بود.))

پیغمبر اکرم (ص) به خاطر حفظ اسلامی، با دوراندیشی در بسیاری از مناسبتها به فضایل حضرت علی (ع) اشاره می کرد تا زمینه را برای امامت و رهبری وی مساعد گرداند و امیر مومنان علی (ع) اشاره می کرد تا زمینه را برای امامت و رهبری وی مساعد گرداند و امیر مومنان علی (ع) نیز، با حسن تدبیر، همواره حتی در زمانی که به زمامداری انتخاب نشده بود به عنوان محافظ و نگهبان و ناخدا و سکاندا کشتی اسلام انجام وظیفه می کرد و می فرمود: تا زمانی که کار مسلمانان بدرستی پیش رود و تنها بر من ستم شود، راه مسالمت پیش می گیرم.

مدیریت انسانی

پیامبر اکرم (ص) در برنامه ریزیها و شیوه های مدیریت، تنها به انسان و خیر و صلاح او اهتمام داشت، نه به اشیا و امکانات مادی، و تنها آیین اسلام است که در همه تشریحات و احکامش، انسان و سعادت دنیا و آخرت او را در نظر دارد و تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی وی از قبیل خوردن، آشامیدن، ازدواج، طلاق و داد و ستدها و ارتباطات را نظم و نسق بخشیده است. روه همه احکام اسلام حفظ حرمت و تکریم شخصیت انسان است و قرآن مجید در این زمینه فرموده است:

((براستی که ما فرزندان آدم را گرامی و محترم داشتیم...)).

پیشتر گفتیم که کار مقیاس صلاح یا فساد انسان است و در قیامت نیز بر حسب آنچه در این جهان از وی صادر گشته، جزا می بیند و اگر نکوکار باشد پاداش، و چنانچه شرور و بدکار باشد کیفر خواهد دید. همراهی و ملازمه دین و دنیا، در رفتار مسلمانان انعکاس می یابد. وقتی مسلمانی کارش را با نام خدا آغار می کند یعنی اعتقاد دارد که خدا به آشکار و نهان و نیز نیت او آگاه است، و همین اندیشه روح و روان او را پر می سازد و همواره در این آرزوست که کارش سبب خشنودی خدا و پاداش او گردد، زیرا خدای تعالی فرموده است:

((آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند ما نیز پاداش آنها را تباه نمی سازیم)).

و در حدیث شریف آمده است: خداوند دوست می دارد که هر کس از شما کاری انجام می دهد با دقت و استحکام باشد.

پیامبر (ص) شریعتی سهل و آسانگیر و با گذشت آورده است و انسان را بالاتر از توانایی اش تکلیف نمی کند و قرآن با صراحت بیان داشته است: ((خدا هیچ کس را تکلیف نکند جز به مقدار توانایی، و نیکیهای هر کس به سود خود او و بدیهایش نیز به زبان خودش خواهد بود)).

با این اعتقاد، عمل یک مسلمان به بالاتریت درجه دقت و متانت می رسد و البته ایجاد چنین باورهایی در اندیشه پیروان، کاری بسیار عظیم و از عناصر مهم مدیریت است.

اسلام، در همان زمان که کار را عبادت و موجب پاداش اخروی دانسته، انگیزه مادی و دنیایی نیز برای آنان در نظر گرفته است، تا کارگر، زندگی خوب و بدون دغدغه ای داشته باشد و با جدیت و تلاش و نوآوری به کارش ادامه دهد.

رسول خدا (ص) ضمن تاکید بر پرداخت عادلانه مزد کارگر، رفاه او را در نظر گرفته و فرموده است:

((هر کس عامل کاری برای ما گردد، اگر خانه نداشته باید خانه دار شود و اگر همسر ندارد باید ازدواج کند، و اگر مرکب نداشته باشد، باید مرکب مناسب تهیه نماید)).

سیره مبارک آن حضرت در شخصیت شاگرد ممتاز او، امام علی (ع) تجلی یافت. وی منشوری در آیین حکومتداری برای مالک اشتر نخعی که قرار بود به ولایت مصر اعزام گردد، تنظیم که عالیترین برنامه اداری و سیاسی دنیا به حساب می آمد، و سیاستمداران، از صحابه پیامبر و عالمان آن دوران و پیشرفته ترین دانشگاههای دنیای جدید از آوردن آن ناتوانند. در

بخشی از آن فرمان چنین آمده است: ((مهربانی بر رعیت را منش و پیشه خود ساز و همچون جانوری درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری)).

عنایت به انسان و محور قراردادن وی در برنامه ریزیها، بعد از آن در دستور کار تمدن جدید وارد شد که ناکارآمدی سیاستهای متکی به آمار و ارقام تولید،

و بی اعتنا به بعد اسنانی قضایا، برای همگان ثابت گردید و به همین علت مکتبهای ظاهراً علمی جدیدی که جانب انسانی را در تئوریهای خود منظور

نداشته اند، اخیراً سعی بر این دارند که تمام شئون و نیازهای کارگران را در برنامه ریزیهای اداری، و یا به گونه ای غیررسمی تامین کنند.

ویژگیهای عمومی مدیریت

در صفحات پیشین از نقش حساس و بسیار مهم مدیر در پیشبرد کارها و ایجاد روحیه و نشاط در افراد و اجتماع و دستگاههای اجرایی گوناگون جامعه آگاه شدیم. در اینجا با توجه به سیره پیامبره بخشی از ویژگیهای عمومی یک مدیر موفق را به شرح زیر توضیح می دهیم:

۱- ایمان به ارزشمندی کار

مدیریت در مجامع غیردینی حرفه یا است که هدف آن آسان کردن دتسیتی به هدفهای محدود مادی بوده و اقناع مردم به هر وسیله و از هر راه، از ویژگیهای آن است. در حالی که از نظر اسلام، در گزینش مدیر، ایمان و باور قلبی او به ارزشمندی کار شرط اساسی است، همان گونه که شخص رسول خدا (ص) به حقانیت قرآن و ارزشمندی تبلیغ و رسانیدن آن به مردن، ایمان و اعتقاد کامل داشت و این حقیقت را قرآن مجید بدین گونه تاکید کرده است: ((پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش به سوی او نازل گشته ایمان آورد و مومنان نیز همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و رسولان او ایمان آوردند)).

از مهمترین نشانه هیا ایمان آن حضرت به راستین بودن وحی الهی و ارزشهای اسلامی، کار پیوسته و مستمر او بود، زیرا با آن همه آزار و آسیب و افتراهای که بر وی وارد می شد، که برآستی کوه را یارای تحمل آن نبود، خستگی و ملامت به خود راه نمی داد و شادمانی او زمانی بود که مردم گروه

گروه به دین خدا وارد می شدند و به هنگام روگردانی و دور شدن آنها از مسیر هدایت و باقی ماندنشان در وادی کفر و گمراهی، حزن و اندوه او را فرا می گرفت و قلبش را می فشرد به طوری که قرآن در مقام دلجویی و تسلیت به او می گوید: ((ای رسول، نزدیک است که اگر امت به این قرآن ایمان نیاورند، خودت را از شدن اندوه و تأسف بر آنان هلاک سازی)).

۲- احساس مسئولیت و امانتداری

رهبری و مدیریت موفق و درخشان، آنگاه تحقق می یابد که پذیرنده آن دارای روحی بزرگ بوده و بتواند سختیهای کار را تحمل کند و با امانت و اخلاص و احساس مسئولیت به انجام وظیفه پردازد.

متاسفانه، در سیستم های لاتیک، رهبری و مدیریت کشور به متخصصانی سپرده می شود که در برابر هیچ مقام و مرجعی پاسخگو نیستند و زمانی که از راه قانون یا ترفندهای قانونی موفق به انجام کاری نشوند، با توسل به شعارهای فریبنده ای مانند میهن پرستی، مصالح قومی و ... به انجام آن می پردازند.

البته وقتی می بینیم که اینان در موضع گیریهای سیاسی و روابط بین الملل، خود و کشورهايشان را به دلالات صهیونیسم جهانی می فروشند، خوب می

فهمیم که همه آن شعارها به دروغ و برای گمراه کردن مردم و تجارت و سود شخصی مطرح شده اند.

در اسلام، مدیریت و امارت جز به مومنان شایسته و کاردان سپرده نمی شود، و سیره نگاران نوشته اند که روزی یکی از یاران رسول خدا از او پرسید: چرا مرا به فرماندهی نمی گماری؟ پیامبر (ص) دست به روی شانه های او نهاد و پاسخ داد: زیرا توانایی آن را نداری و امارت سبب شرمساری و پشیمانی انسان در روز قیامت می گردد، مگر برای کسی که شایسته آن باشد و واجبات آن را ادا کند.

۳- قاطعیت

در بحث فرماندهی نظامی پیغمبر، در مورد تصمیمهای قاطع آن حضرت در مواضع و مواقع حساس، مطالبی بیان کردیم و در اینجا اضافه می کنیم که مدیر، محور و مرکز ثقل افکار و اندیشه ها و مرجع تجزیه و تحلیل آرا و تصمیم گیرنده نهایی برای اجرای همه پروژه ها و پیشنهادهاست. لذا باید دارای عزیمی راسخ و اراده ای قوی و به دور از هرگونه وسواس و تردید باشد، زیرا سست رایی و ضعف اراده بر مدیریت اخلاص وارد می سازد و آثار ناپسند آن در برنامه های اجرایی آشکار می گردد.

خدای تعالی پیغمبر را چنین یادآوری کرده است: ((با مسلمانان مشورتن کن و آنگاه که تصمیم گرفتی بر خدا توکل نما))، و امیر مومنان علی (ع) آن دانش آموز فرید مکتب پیامبر و فرد مورد توجه ویژه او می فرماید: ((با تصمیم قاطع سستی و بی ارادگی را نابود سازید))، و فرموده است: ((هر کس سستی و بی ارادگی پیشه سازد، حقوق را تباه گرداند)).

۴- فروتنی و مردمی بودن

قرآن کریم در آیه ۸۸ سوره حجر خطاب به پیامبر فرموده است: ((و با مومنان فروتن و مهربان باش)) و آن حضرا که همه اخلاق و رفتارشان مطابق قرآن بود چنان رفتار متواضعانه ای با مسلمانان داشت که وقتی ناشناسی بر جمع آنان وارد می شد، او را نمی شناخت و سوال می کرد: کدام یک از شما رسول خدایید؟ او با اطرافیانش مهربانی می کرد و بیشترین خنده وی تبسم بود، و آنگاه که سران قریش از او خواستند تا فقیران و کم بضاعتان را از پیرامون خود دور سازد تا جای نشستن آنها در نزد آن حضرا فراخ گردد، درخواست آنان را نپذیرفت.

این خلف کریم در وجود برادر و نفس پیامبر، علی (ع) نیز رسوخ داشت و به استنادارش چنین نوشت: ((ای مالک، مهربانی تو با مردن آنان را به تو مهربان

می کند و نیکوترین چیزی که چشم والیان به آن روشن گردد، برقراری عدالت در شهرها و پدیدار شدن دوستی رعیت است)).

امام علی (ع) با توصیه ها و اندرزهای گرانقدر خویش کارگزاران و فرماندارنش را تربیت می کرد، همان گونه که خود او از رسول خدا (ص) تربیت پذیرفت و آگاه گردید که رهبر و مدیر موفق اسلامی آن است که پاره ای از وقتش را برای ملاقات رویاروی با مردم اختصاص داده و با فروتنی کامل و با حوصله و دقت در کنارشان بنشیند و به شکایات و پیشنهادهای ایشان گوش دهد و در رفع نیاز آنها بکوشد. عین کلمات مولی علی (ع) را در این مورد ملاحظه فرمایید:

((بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند و شخصاً به کار آنان پرداز و در مجلس همگانی بنشین و در آن جایگاه در برابر خدایی که آفریدگار توست فروتن باش و یارانی که نگهبان و یا پاسبان تواند از آنجا دور بدار، تا سخنگوی آن مردن بدون درماندگی در گفتار و لکنت زبان با تو گفت و گو کند.))

آری، مدیر مسلمانان در کنار مردم می نشیند و از نزدیک با نیازهای آنها آشنا می شود و حتی از وضعیت ظاهر و طرز لباس پوشیدن و لحن سخن آنان، به نگرانیها و مشکلاتشان پی می برد و حضوراً به پیشنهادهای و انتقادهای آنها

گوش می دهد تا به معایب و کاستهای احتمالی مدیریت خود آگاه گردد و فرصتی برپا پیدایش دورویی و نفاق و فاصله بین مدیر و کارمندان و ارباب رجوع فراهم نگردد، چه در غیر این صورت، نظم و سامان آن اداره، بلکه نظام جامعه و حکومت دچار اختلال می گردد.

اما، در ادارات و نهادهای حکومتی کشورهای بی توجه به شرایع و ادیان الهی، بنا به عادتی که در تبلیغات و فریب افکار عمومی دارند، صندوقی برای جمع آوری شکایات و پیشنهادهای مردم نصب می کنند و غالباً به شکایتها و پیشنهادهای احتمالی ترتیب اثر نمی دهند و قصدشان این است که بدانند مردم تا چه اندازه از ترفندهای آنان آگاه شده اند.

ه- پیشه نیکو

رسول خدا قبل از بعثت، در میان اهالی مکه به عنوان مردی امین و راستگو و خوش اخلاق و نیکو رفتار شناخته می شود. او با انگیزه یاری رساندن به مظلومان در پیمان ((حلف الفضول)) شرکت جست، و تدبیر حکیمانه اش در برگرداندن ((حجرالاسود)) به جایگاه ویژه اش و جلوگیری از بروز فتنه و خونریزی بین قبایل عرب زبانزد خاص و عام بود.

آن حضرت با خلوت گزینی در غار حراء به تفکر در امر آفرینش و مشکلات مردم می پرداخت و با داشتن چنین ویژگیها و فضایی، مورد اطمینان امت

اسلام بلکه همه مردم آن روزگار (جز نادان کینه توز) قرار گرفت. او، علی (ع) را به عنوان امیر و مدیری توانا به مردم شناساند، تا بعد از وی محافظ و پیشوای امت اسلام باشد و البته، این انتخاب مبتنی بر شایستگی علی (ع) و سلوک نیکو و حسن پیشینه او بود، چه، علی (ع) اولین مردی بود که به پیامبر ایمان آورد و با او نماز گزارد و آنچه را بر وی وحی می شد تصدیق کرد، و داستان پرورش یافتن او در دامان رسول خدا در تاریخ بتفصیل بیان شده و ما در اینجا خلاصه آن را می آوریم:

در برهه ای از زمان، قریشیان با بحرانی مالی سختی روبه رو شسددند، در آن شرایط حضرت محمد (ص) و عمویش، عباس بن عبدالمطلب، به نزد ابوطالب عموی دیگر پیامبر رفتند و از او خواستند تا اجازه دهد بعضی از فرزندان او را به نزد خود برند تا بحران اقتصادی برطرف گردد. ابوطالب به آنان گفت: عقیل را برای خودم بگذارید و هر کاری صلاح میدانید بکنید. پس از این گفتگو، پیامبر، علی را به خانه خودش برد و عباس، جعفر بن ابی طالب را، و بدین گونه اراده پروردگار در مورد نشو و نما یافتن و تربیت علی (ع) در دامان خدا تحقق پذیرفت.

مولا علی (ع) نیز، ضمن نامه ای که در نکوهش معاویه نوشته، حسن سابقه را از ملاکها و شرایط مدیریت اسلامی شمرد و رقمود: ((ای معاویه، چه وقت

شما تدبیرگران امر رعیت و زمامداران امت بوده اید؟ که نه سابقه در دین دارید و نه شرف و کرامتی والا)).

۶- محکم کاری و نرمش

محکم کاری، نه خشونت، و نه نرمش، نه ضعف و سستی، هر دو از صفات عمومی مدیران موردنظر اسلامند و قرآن مجید، پیامبران را که به منزله مدیران جوامع انسانی می باشند با عنوان مژده بخش و بیم دهنده توصیف کرده است تا مدیریتی متعادل و انعطاف پذیر را به جهانیان عرضه دارند.

تشویق و بشارت تنها، سبب جرئت بر گناه می گردد، و انذار و بیم دادن صرف نیر، سبب یاس و ناامیدی است و جامعه را تباه می سازد. زیرا اگر عقوبت و گذشته در کار نباشد و رهدی یک بار مرتکب گناه یا اشتباه گردد، به تصحیح و جبران آن نمی پردازد و از تکرار آن ابایی نخواهد داشت.

به همین جهت، انبیا هم مبشر بودند و هم ترساننده، چه، اگر تنها درهای بهشت را به روی مردم می گشودند، کار سامان نمی پذیرفت؛ ولی آنها از عالم برزخ و جهان آخرت نیز با مردم گفتگو کردند تا بیم و امید را در امر هدایت به خدمت گرفته باشند.

رسول اکرم فرموده است: ((امام و پیشوایی شایسته نیست، مگر برای آن کس که داریا سه خصلت باشد: تقوایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد، و حلمی

که خشم او را مهار کند، و خوشرفتاری که با زیردستان، چنانکه برای آنان

مانند پدری مهربان باشد.))

۷- بردباری و بلندنظری

یکی از صفات بسیار مهم یک مدیر داشتن اعصابی قوی و پولادین و حلم و

بردباری و توانایی ذاتی برای مقابله با مشکلات است. مدیر باید مثل دریایی

باشد که در درون آن انواع جانداران در حرکت و تلاشند، اما ظاهر آن همواره

صاف و گسترده و باهویت است و اگر لحظه ای بعضی سیاهیها یا کفها بر

سطح آن پدید آیند، بزودی امواج متلاطم و سرکش آنها را در خود فرو می

برند و امواج سهمگین پی در پی با یکدیگر می آمیزند تا بالاخره، دریا به

سکون و آرامش پرابهت خود بازگردد.

در بررسی سیره پیامبر، گاه به مواردی برمی خوریم که بعضی از اصحاب به

ایشان اعتراض کردند و کلمات نامناسب با شأن او بر زبان می آورند، اما آن

حضرت با حلم و بردباری آنها را تحمل می کرد.

قرآن کریم می فرماید: ((خوبی و بدی مساوی نیستند، پیوسته با بهترین روش

بدی را دفع کن، تا کسی میان تو و او دشمنی است، چونان دوستی مهربان

گردد))، و پیامبر اسلام فرمود: ((هیچ چیز بهتر از علم همراه با بردباری

نیست)). حلم و فراخ سینگی دو صفتند که حکومت را محافظت می کنند و بدون

آنها نظام مدیریت از هم می پاشد، و دستاوردهای آن از بین می رود.

علی (ع) فرمود: ((فراخ سینگی و بردباری، ابزار ریاست و سروری است)).